



ایرانشناسی

ن ۲۰. خالفین - ترجمه ابوالفضل آزموده

نیکلای خانیکف

دنباله شماره ۱۰-۱۲ سال ۵

اعضاء هیئت از تاریخ ۲۳ مارس سال ۱۸۵۸ شروع به اجرای وظائف مستقیم خود گردیده و در این روز کشتی آنها در کنار لنگرگاه آشوراده در نزدیکی یکی از شهرهای ایران بنام استرآباد لنگر انداخت. پول برای نگهداری این هیئت تا روز ۱۸ ژوئیه سال ۱۸۵۹ م یعنی تا زمانی که هیئت مذکور رسماً منحل گردید، کفاف داشت. هر چند اعضاء آن به کار تحقیقاتی خود هنوز ادامه می دادند. بدین ترتیب ن. و. خانیکوف و. آ. گیویل در ۲۲ اوت به وطن مراجعت نمودند.

پانزده - هفده ماه مدت کمی نیست. همه چیز بستگی به آن دارد که آدم - چگونه به کارها برسد. اعضاء هیئت اعزامی به خراسان در نتیجه خدمات بسیار زیاد سرپرست آن در این ایام، خوب به کارهای خود رسیدند. ن. و. خانیکوف به اتفاق همکاران خود راه بسیار کم مطالعه شده‌ای را طی نموده و از استرآباد و از طریق سبزوار و نیشابور به مشهد رفتند. از هرات بازدید نموده و سپس رهسپار جنوب یعنی سیستان شدند. در لاش و بیرجند و طبس کمی توقف نمودند و از طریق کرمان، اصفهان و قم با طی راه کمربندی بسیار طولانی، تقریباً "شرق ایران، وارد تهران شدند. بدیهی است که طی این "سفر کمربندی" آنقدرها ساده نبوده است. اعضاء هیئت در طول راه نقشه برداری می کردند، نمونه‌ها و کلکسیونهای گیاهشناسی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی جمع‌آوری می کردند.

ارقام مشروحه زیر تجسم قسمتی از نتایج حاصله (البته نه کامل) می باشد. مثلاً بندی موقعیت ۱۰۰ نقطه بطریق نجومی معلوم گردید و این امر امکان داد تا مشخصات جغرافیائی اراضی بسیار وسیعی یعنی بیش از ۳۵۰ هزار ورست مربع تعیین شود. حدود ۲ هزار نوع گیاه و از جمله گیاهان بسیاری که تا آن زمان هنوز شناخته نشده بودند، جمع‌آوری گردید. چهل و سه جعبه نمونه، نمک، آب و مواد معدنی و کلکسیون بسیار برارزشی از جانوران جمع‌آوری شد.

اما بعد حوادث از نقطه نظر علمی بصورت غم‌انگیزی بسط و توسعه یافت. در این باره "تاریخ نیم قرن فعالیت انجمن جغرافیائی روسیه" اثر پ. پ. سیمونوف که - نامبرده سالهای زیادی عملاً "سرپرست آن بود - بهتر از همه، مختصر ولی گویا، تعریف از چگونگی امر می نماید. چون او هم اطلاعات راجع به اوضاع کارها را از دست اول

می‌گرفت. سمونوف در کتاب خود می‌نویسد: "متأسفانه شورای انجمن نظر به کمبود پول نه توانست بررسی کامل و منظم مطالب و مدارک گرانبهای جمع‌آوری شده توسط اعضا هیئت اعزامی را انجام دهد و نه توانست نتایج کار این هیئت را در یکی از آثار منتشر شده از طرف انجمن متمرکز سازد.

موضوع از اینجا شروع می‌شود که ن. و. خانیکوف پس از خاتمه مأموریت در این هیئت، نماینده وزارت معارف ملی روسیه در پاریس می‌شود. بعد از تدوین و تنظیم نتایج کاملاً "جغرافیائی و قسمتی تاریخی و مردم‌شناسی هیئت مذکور آنها را در پاریس و به حساب انجمن جغرافیائی پاریس به چاپ می‌رساند. سرانجام ن. و. خانیکوف برای تکمیل جلد اول کتاب "ایران" اثر رهبر باز هم از مطالب و مدارک هیئت اعزامی به خراسان استفاده می‌نماید. بقیه اعضا هیئت نتایج کار خود را که بتدریج و آهسته از طرف آنان تدوین و تنظیم می‌گردید، در چاپهای خاص و مختلف منتشر می‌ساختند.

ن. و. خانیکوف هنگام مراجعت به میهن فهمید که انجمن جغرافیائی استطاعت تدوین و چاپ مطالب جمع‌آوری شده در هیئت اعزامی به خراسان را ندارد. وضع روحی نیکلای خانیکوف هم دیگر جای خود داشته است. والدین او فوت کرده بودند. برادر کوچکترش در استپهای ارنبورگ تلف شده بود، برادر ارشد هم سالهای آخر عمرش را در ناراحتی و بیماری روحی علاج‌ناپذیری که وی را به تحلیل می‌برد، طی می‌کرد. عده‌ای از دوستان با اینکه متنذ هم بودند عملاً نتوانستند به اقامت او در روسیه استبدادی رنگ و روئی بدهند. مع الوصف توانستند کمکی به نیکلای ولادیمیریویچ خانیکوف بکنند. بر حسب موقعیت و حمایت این دوستان و قبل از هر چیز مساعدت آ. و. گالابین وزیر معارف ملی از (سال ۱۸۶۱ م. و. ی. پ. کاوالفسکی مدیر اداره امور آسیائی که خاورشناس ما هنوز سمت ترجمان آن اداره را داشت، خانیکوف امکان یافت به پاریس یعنی به یکی از بزرگترین مراکز خاورشناسی آن عصر عزیمت نماید.

وضع مالی دانشمند مذکور کاملاً "بستگی به ارسال" مقرری "از پتربورگ داشت. روی این اصل در ۳۱ اوت سال ۱۸۶۰ م. با رضایت خاطر زیاد برای ی. پ. کاوالفسکی می‌نویسد که بنابه وساطت و تقاضای و. پ. بوتکوف یکی از سرپرستان کمیته قفقاز اجازه "عالیجناب" را دریافت داشته است مبنی بر اینکه وی "با دریافت یک هزار ده مناتی" - می‌تواند تا فوریه سال ۱۸۶۲ م. در خارج از کشور اقامت نماید. بنابه اظهارات خانیکوف این امر او را امیدوار ساخت تا قسمت بیشتری از مطالب و مدارک جمع‌آوری شده را تدوین و تنظیم نماید. وی با فروتنی مختص خود آنها را "خرت و پرت" نامیده و بلافاصله اضافه می‌نماید: "ولی من مثل پدر نمی‌توانم راجع به فرزند چنین اظهار نظر نمایم." در همین نامه کار بزرگ جدیدش و دوری از وطن احساس می‌شود و برای کاوالفسکی درباره "وعده ملاطفت آمیز" و یادآوری از او و اینکه "اگر کاری پیدا می‌کرد افتحار می‌کرد ...

به نظر می‌رسد که در وطن چنین کاری برای او پیدا نشد و او مجبور بود که به دوستان مراجعه کند تا کمک بکنند و به اقامت بعدی او در پاریس "صورت قانونی" بدهند. در هفتم آوریل ۱۸۶۴ م. طبق "گزارش عالیجناب" وزیر معارف ملی، ن. و. خانیکوف، بمدت دو سال بمنظور مطالعات علمی مأموریت خارج از کشور یافت. در ۳۱ ژانویه سال ۱۸۶۶ م. طبق چنین پیشنهاد مشابهی مأموریت وی باز هم بمدت سه سال تمدید شد.

وی در پاریس و دوز از روسیه به هموطنان خود آ. ای. گرتسن و ای. س. تورگلیف و دیگران نزدیکی می‌جست و مدتی را باتفاق تورگلیف در جزیره "اواپت" یعنی جایگه در آنوقت ل. ن. تولستوی، پ. و. آنتکوف، س. پ. پوشکین در آنجا اقامت داشته‌اند، سپری نمود.

ن. و. خانیکوف هفته‌ها و ماه‌ها به آماده کردن "مطالعات قسمت جنوبی آسیای مرکزی" می‌پردازد و آن را برای چاپ آماده می‌کند. بزودی این کتاب به زبان فرانسه در پاریس منتشر می‌شود. (بر روی جلد آن ۱۸۶۲ م. ولی بر روی صفحه اول عنوان داخل کتاب سال ۱۸۶۱ م. ذکر شده است).

بالاخره کتاب او به نام "Memoir sur la partie meridionale de l'Asie Centrale" در قفسه‌های دکه‌های کتابفروشی‌ها نمودار شد و ما این کتاب را بطور مشروط "هیئت اعزامی به خراسان" نام نهادیم.

کتاب مذکور به سرعت به فروش رفت. این اثر جدی در ۲۳۵ صفحه منعکس کننده نتایج کار مؤلف آن بود که در سالهای ۱۸۵۹ - ۱۸۵۸ م. ایالات و نواحی ایران را پشت سر گذاشته بود. این کتاب نه تنها مواجه با استقبال بسیار زیاد متخصصان، بلکه نوده‌های وسیع خوانندگان "نیز گردید. اثر مذکور موفق به دریافت مدال بزرگ طلا از طرف نجرن جغرافیائی پاریس گردید که کاملاً "بندرت و فقط بخاطر خدمات علمی برجسته داده می‌شود. خاورشناسان و جغرافیدانان روسیه، انگلستان، آلمان و سایر کشورها نیز درباره انتشار این کتاب با شور و شعف اظهار نظر می‌کردند.

ارزش و اهمیت کتاب ن. و. خانیکوف در این است که وی درباره "محلّی که دانشمندان بندرت در آنجا بوده و بازدید کرده‌اند مطالب بسیاری را برای اولین بار منتشر می‌کند و شرایط طبیعی، نحوه زندگی و مشاغل اهالی آن نواحی را تشریح می‌نماید. ن. و. خانیکوف در کتاب دیگر خود این مسائل را با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار داده است. (Paris, 1866) "Memoire sur l'ethnographie de la perse". با اینکه به نظر می‌رسد این کتاب در بعضی موارد ملو از مطالب واقعی بسیار و قابل استناد برای اظهار نظر شخصیت‌های معتبر مختلف می‌باشد، بهمان نسبت ساده و جالب است. موفقیت حاصله در امر کتاب منتشر شده مؤلف را وادار می‌کند تا در آماده ساختن قسمت دوم تحقیقات و مطالعات خود بنام "مردم شناسی ایران" تسریع نماید که البته در آن موقع خانیکوف یکباره جزو صلاحیت‌دارترین افراد در بین خاورشناسان در زمینه مردم شناسی شده بود.

تجزیه و تحلیل مطالب جمع آوری شده و بررسی و مطالعه دقیق آثار موجود مربوط به این موضوع یکبار دیگر در کتابخانه پاریس شروع شد. "مضیقه وضع مالی" همیشه وجود داشته است. خوشبختانه کالا و بین وزیر معارف ملی به رفیق هم مدرسه‌ای قدیمی خود کمک می‌کرد که حق سمت مامور این وزارتخانه در خارج از کشور برایش محفوظ بماند. ن. و. خانیکوف ضمن اجرای دستورات وزارتخانه، میکروسکوپی را که گالوین در فرانسه برای خود سفارش داده بود، خریداری و به روسیه ارسال می‌دارد طبق دستور گالوین که در دواپر زیر نظر خود یک سرای اصلاحات بورژوازی انجام داده بود (نظامنامه‌ها و اساسنامه‌های دانشگاهی، دبیرستانی، کنترلی و غیره تهیه و پذیرفته شده بود)، نیکلای ولادیمیرویچ خانیکوف شرح معارف ملی در روسیه. - قسمت اول. آخرین اصلاحات در تشکیلات معارف ملی را به زبان فرانسه تالیف و به چاپ رسانید. این بروشور برای تمام سفرای روسیه در خارج از کشور ارسال گردید. برای چنین مشغله‌های پشاه‌ی وقت زیادی احتیاج بود ولی انتخاب آنها پیش نیامد و گالوین با نامه‌های خود مامور خود را در وضع سختی نگهداری می‌کرد.

مثلاً یکی از این موارد مربوط به ۱۸ (۳۰) ماه مه سال ۱۸۶۳ م. بوده است. نظر به سختگیری در شورای دولتی بهنگام بحث درباره برآورد بودجه‌ادارات مختلف، وزیر اعلام خطر کرد که خانیکوف را می‌توانند در سال ۱۸۶۴ م. در وزارتخانه معارف ملی نگهداری نکنند، لکن گالوین ثابت کرد که برای اداره‌اش احتیاج به شخصی دارند که مورد نیاز برای روابط حضوری با دانشمندان خارجی است، نه داشتن روابط

مکاتبه‌ای و این شخص باید مراقب آثار دانشمندان و آنچه‌هایی باشد که بموقع نمی‌توان از روزنامه‌ها و مجلات علمی اطلاع حاصل نمود. وضع سخت و مشکلات مالی ن. و. خانیکوف را وادار کرد که دست به اقدامات فوق‌العاده بزند. وی در مسافرت‌هایی که به مشرق زمین کرده بود، اشیاء مختلف - باستانشناسی، سکه‌های قدیمی و مهمتر از همه نسخه‌های خطی آثار بسیار گرانبهائی را با خود آورده بود و بعنوان هدیه برای فرهنگستان علوم و برای نمایندگان آن جداگانه ارسال داشته بود. وی دارنده کلکسیون‌های خطی از چنین نسخه‌های خطی یعنی مهمترین منابع اولیه خاورشناسی و منبع گرانبهائی بود. لکن همه اینها بجای خود محفوظ، پول لازم بود...

بدین ترتیب در ۱۵ ژانویه سال ۱۸۶۲ م. آکادمیسین ب. درن و آکادمیسین و. ویلیامینف زرنف به شعبه تاریخ و فیلولوژی فرهنگستان علوم اطلاع می‌دهند که عضو وابسته آن. و. خانیکوف پیشنهاد دارد مجموعه نسخه‌های خطی شرقی ایشان (حدود ۱۶۰ نسخه) که در موزه آسیائی نگهداری میشود خریداری گردد و در خواست می‌نماید بابت هزینه‌های شخصی ۳۵۰۰ روبل تادیه گردد. آنها یعنی درن و ویلیامینف - زرنف اعلام میدارند که این خرید از نظر محتوی و قیمت باصرفه است بخصوص اینکه موزه آسیائی فرهنگستان علوم مدیون فداکاریهای بشمار و پرارزش آقای خانیکوف می‌باشد.

لکن درن در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۸۶۲ م. برای ویلیامینف - زرنف نوشت شعبه تاریخ - و فیلولوژی خرید کلکسیون مذکور را بحساب فرهنگستان علوم بدلیل محدود بودن پول امکان پذیر نمی‌داند. پس از سه ماه پرونده امر به هیئت رئیسه تحویل شد. در آنجا دیگر عجله‌ای برای این کار نداشتند. بیش از دو سال گذشته بود که تازه کفیل معاون ریاست فرهنگستان - و. بونیاکفسکی (۱۸۸۹ - ۱۸۰۴ م.) موضوع را برای وزیر معارف ملی نوشت و درخواست نمود "مبلغی" برای خرید مجموعه نسخه‌های خطی پرداخت نمایند.

خلاصه، این موضوع در ماه سال ۱۸۶۴ م. حل شد. شورای دولتی بنا به معرفی وزیر معارف و با "تعمیم فرهنگستان راه حل ۵۷ هزار روبلی برای آن پیدا کرد و دلیلی نمی‌دانست که خزانه دولت را با مخارج بیش از برآورد بزرگت بهاندازد. بدین ترتیب خرید کلکسیون بحساب مخارج سال ۱۸۶۴ م. وزارتخانه گذاشته شد.

آری، دانشمندان انجمن و سازمانهای روسیه با توجه و غمخواری به هموطن خود کمی می‌رسیدند. اما آنچه که مربوط به ن. و. خانیکوف می‌شود نامه دوست قدیمی او یو. آ. گاکمیستر را در تأیید مطلب فوق ذکر می‌کنیم که نامبرده در سالهای ۱۸۶۲ - ۱۸۵۸ م. در مقام عالی و در سمت با نفوذی بعنوان مدیر دفتر مخصوص اعتبارات وزارت دارائی امپراتوری روسیه خدمت می‌کرد. پس از انتشار کتاب "مطالعات قسمت جنوبی آسیای مرکزی" گاکمیستر نامه‌ای به پاریس فرستاد و در آن چنین نوشت: "از کتیبه‌های قفقاز که برایم فرستادند متشکرم، آنها را خواندم و مفید می‌دانم که بنام جنابعالی آنها را تحویل انجمن جغرافیائی بدهم و امیدوارم که جنابعالی یک نسخه از کتاب هیئت اعزامی به خراسان را هم برای انجمن خواهید فرستاد. هر دلایلی که برای شکایت از انجمن داری، فعلاً وقت آنست که با آن مسالمت داشته باشی. این انجمن کارهای مفید بسیاری انجام داده است و در صورتیکه گالوپین کمک خود را به آن قطع نکند باز هم کارهای مفید بیشتری انجام می‌دهد.

در اواسط دهه ششم سرانجام اثر دیگر ن. و. خانیکوف در مورد هیئت اعزامی به خراسان و مطالعه عمومی ایران به پایان رسید و در سال ۱۸۶۶ م. انجمن جغرافیائی پاریس "یادداشت‌های مردم‌شناسی ایران" را به چاپ رسانید. در صفحه اول یابین کتاب

القاب جدید دیگری نیز بر القاب افتخاری قبلی زینت بخش نام خانوادگی ن. و. خانیکوف گردید. دکتر دانشگاه پتربورگ، عضو وابسته انجمن ناتورالیست‌های مسکو، عضو انجمن آسیائی بریتانیا، عضو انجمن‌های جغرافیائی پاریس، برلین، لندن و "غیره و غیره" به سه بار تکرار "و غیره" توجه فرمائید.

این کتاب کم حجم ولی پر از مطالب علمی بود. مطالب بسیار غنی مردم‌شناسی همراه با جداول مختلف و ارقام واقعی آماری تصویر واضح ترکیب نژادی اهالی ایران را - ترسیم می‌نماید. این اثر با در نظر گرفتن آخرین موفقیت‌های دانش مردم‌شناسی تدوین شده بود و مانند کتاب قبلی با عکس‌العمل مسرت‌انگیز معاصران اعم از متخصصان فن و غیر متخصصان مواجه گردید.

بهین ترتیب گاکمیستر استاد بزرگ در زمینه روابط اقتصادی و سیاسی روسیه با شرق که راجع به این مسئله و سایر مسائل مربوط به آن مقالات و کتابهای بیشماری نوشته بود، برای خانیکوف نوشت: "چندی قبل کتاب تخصصی شما راجع به مردم‌شناسی ایران را از دست ویلیامینف - زرنف قاپیدم. چنین اثری، معلوم می‌شود که هنوز درباره هیچیک از کشورها وجود ندارد. اگر با چنین دقتی روی تمام کتاب "ایران" اثر ریتر کار بکنید، یادگار ابدی خودبجای خواهید گذاشت.

بدین ترتیب خاتمه یک اثر از نظر دوستان خانیکوف می‌بایست بلافاصله شروع - اثر دیگری را در برمی داشت. پس از کتاب تشریحی هیئت اعزامی خراسان، آنان با بی‌تابی انتظار تحقیقات مردم‌شناسی را داشتند و حالا منتظر "ایران" اثر ریتر بودند. ولی قبل از اینکه درباره افکار جدید این خاور شناس که نام او با احترام زیادی در دنیای علم برده می‌شد، صحبت کنیم، متأسفانه نمی‌توان درباره این موضوع سخنی نگفت که روسیه‌تزاری چگونه به خدمات وی "پاداش" داده است. "طی فرمان همایونی (شماره ۴) مورخه ۲۸ فوریه سال ۱۸۶۶ م. ن. و. خانیکوف نظر لفسوسمست پستی که او در اداره آسیائی داشت برکنار شد. بعبارت دیگر نظر به محدود شدن کادر به خدمتش خاتمه داده شد. حتی موفقیت‌های برجسته این دانشمند نتوانست جلوی صاحب منصبان تزاری را بگیرد. حقیقت اینکه دولت تزاری خانیکوف را بدون اجرا نگذاشت. به او که املاک بزرگ و پسرانداز زیاد در موسسات صنعتی نداشت، مبلغ هزار روبل بعنوان حق بازنشستگی سالیانه اعطا کرد. هر چند ن. و. خانیکوف مجال تشکیل خانواده نیافت، این پولها فقط برای زندگی بخور و نمیر و امرار معاش زور زورکی کافی بود.

آری، تازه روی این مبلغ هم همیشه نمیشد حساب کرد. ما باز هم به ناراحتی دائمی این دانشمند درباره وضع مالی اش مواجه می‌شویم... لکن فعلاً به اثر مذکور ریتر بنام "ایران" برمی‌گردیم.

ک. ریتر دانشمند آلمانی که پ. پ. سمونف - تیان شانسکی او را "از بزرگترین جغرافیدانان نیمه اول قرن نوزدهم لقب داده بود، یک سری کتاب تحت عنوان زراعت در آسیا" تألیف و منتشر ساخت. بعضی از مجلدات این کتابها اختصاص به روسیه و کشورهای همجوار آن داشت. مؤلف کتابهای مذکور دانشمندی "اطاقی" بود و با بررسی مستقیم بعضی از مطالب و مندرجات آثار تأیید نشد. لکن وسعت احاطه موضوع و تصویر "تئوریک مؤلف علاقه زیادی نسبت به آثارش بوجود می‌آورد و در روسیه بطور غیرمنتظره‌ای مقدمات نشر این آثار فراهم می‌آید. پ. و. گولوبکوف بازرگانی که در نتیجه معاملات و دادوستدها با شرق بسیار ثروتمند شده بود شروع به دعوت هموطنان خود کرد تا توجه خود را نسبت به دولت‌های همجوار آسیائی تشدید نمایند.